

## گزارش پیمایش کوه خامی

روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۰۱/۰۹ اعضای گروه رد پا در ساعت ۷:۳۰ در میدان معلم به منظور حرکت به سمت کوه خامی تجمع نمودیم و ساعت ۷:۵۰ دقیقه با یک دستگاه اویکو حرکت به سمت کوه خامی گچساران آغاز شد. در طول مسیر از دشت ارژن، نوادان، قائمیه، نورآباد ممسنی، رودخانه فهلیان و عرب خنیمه گذشتیم و که با نزدیکتر شدن به منطقه گچساران افزایش دما و رطوبت هوا به وضوح احساس میشد به طوری که هنگامی که به بقعه زیارتی امامزاده حسن رسیدیم بعضی از اعضای گروه که در شیراز لباس گرم پوشیده بودند، تصمیم به تغییر لباس و جایگزین کردن لباس خنک گرفتند. پس از آن در ادامه مسیر از و پس از دو توقف ده دقیقه ای دیگر به منظور ثبت ساعت در پلیس، نهایتاً ساعت ۱۲:۴۰ به ابتدای مسیر صعود به کوه خامی رسیدیم که پس از توقف ده دقیقه ای به منظور آماده شدن نفرات، ساعت ۱۲:۵۰ صعود آغاز شد. پس از پانزده دقیقه حرکت، باوجود شیب بسیار ملایم کوه و توانایی گروه برای ادامه مسیر، به دلیل زیبا بودن مناطق و جذاب بودن برای اعضای گروه، پنج دقیقه ای برای دیدن مناظر و رسیدن به لذت بصری در مسیر توقف کردیم در این قسمت از دامنه کوه به دلیل وجود جاده ماشین رو و سرسبزی منطقه خانواده های زیادی برای تفریح و تفرج اقامت کرده بودند که باتوجه به وسایل و تجهیزاتی که در اطرافشان به چشم میخورد متوجه شدیم که بسیاری از آنها شب قبل را در همین جا گذرانده اند و یا تصمیم به شب مانی دارند. در ساعت ۱۳:۱۵ به حرکت ادامه دادیم و در ساعت ۱۳:۳۵ با رسیدن به منطقه ای زیبا و سرسبز در کنار رودخانه گروه تصمیم به توقف به منظور صرف نهار گرفت. در کنار هم‌نوردان شاد و مهربان روی فرش چمن و زیر سقف آسمان مشغول صرف نهار شدیم و طبیعت با نوای باد و آوای پرندگان سرمست از بهار برای آرام بخش ترین موسیقی را می نواخت، هنگام صرف نهار آقای توکلی را دیدیم که به دعوت دوستان برای صرف نهار به جمع ما پیوست، آقای توکلی از عشایر محلی منطقه بودند که در ارتفاعات کوه به همراه خانواده ساکن و به شغل دامپروری مشغول بودند و در نزدیکی محل کمپ مستقر بودند و کوهنوردان و طبیعت گردان می توانستند از ایشان گوشت تازه یا فرآورده های لبنی بسیار خوشمزه تهیه کنند. پس از صرف نهار ساعت ۱۴ مجدداً پا در مسیر حرکت گذاشتیم و ساعت ۱۵:۴۰ به کمپ رسیدیم. این کمپ در واقع محل اسکان خانواده آقای توکلی و نگهداری دامهایشان بود که نزدیک منزل خودشان محوطه ای را فنس کشی کرده بودند و در اختیار گروه های کوهنوردی و طبیعت گردی قرار داده بودند و یک سرویس بهداشتی نیز در محل ساخته بودند. چشمه ای نیز در همان محل قرار داشت که آب آن به وسیله لوله کشی به چند قسمت دیگر نیز هدایت می شد و دوستان می توانستند مستقیماً از همان چشمه یا در قسمت های دیگر از لوله آب تهیه کنند. پس از مشخص کردن محل اسکان، مشغول برپایی چادرها شدیم که با توجه به حضور گروه های دیگر در منطقه و جابجایی چادرهای اعضا نهایتاً گروه در ساعت ۱۶:۴۰ کار استقرار و برپایی چادر را به اتمام رساند که در همین لحظه سرپرست محترم گروه با یک ظرف ماست تازه گوسفندی از راه رسیدند و اعضای گروه را به یک عصرانه بسیار لذیذ دعوت کردند. پس از آن عده ای مشغول جمع آوری چوب برای برپا کردن آتش شدند و سایر اعضای گروه به استراحت یا قدم زدن و دیدن مناظر چشم نواز اطراف پرداختند.

با غروب آفتاب و فرا رسیدن شب هوا سرد شد و دوستان کنار آتش به صحبت و صرف شام پرداختند پس از آن به چادر رفتیم و سعی کردیم بخوابیم که البته کار چندان آسانی هم نبود مخصوصاً با توجه به سردی هوا، صدای صحبت گروه های دیگر و آواز حیوان زبان بسته ای که ما تا صبح نفهمیدیم مشکل چه بود که هر یک ساعت یک بار هوس آواز خوانی به سرش می زند.

صبح روز بعد (پنج شنبه مورخ ۹۶/۰۱/۱۰) پس از صرف صبحانه، ساعت ۹:۰۰ فرود را آغاز نمودیم. طی مسیر سرپرست گروه برخی از موضوعات تئوری کوهنوردی را برای اعضای گروه به صورت سوال و جواب مرور کردند که همین سوال و جوابها باعث تمرکز بر روی موضوعات مطرح شده و فراموشی سنگینی کوله های روی دوش شد، همچنین در طول مسیر شاهد زباله های رها شده در طبیعت بودیم که اعضای گروه مطابق تمام برنامه ها شروع به جمع آوری زباله ها نمود اما با رسیدن به قسمت های پایین تر که امکان تردد خودرو بود و خانواده ها برای تفرج در طبیعت ساکن شده بودند با حجم عظیمی از زباله روبرو شدیم که عملاً

امکان جمع آوری آنها نبود و گروه صرفاً به منظور جلب توجه خانواده ها به زباله های موجود و نشان دادن اعتراض خود اقدام به جمع آوری زباله های حاشیه جاده نمود. نهایتاً گروه ساعت ۱۱:۵۰ به ابتدای مسیر رسید و سوار اتومبیل شده و ساعت ۱۲:۰۰ حرکت کردیم ساعت ۱۲:۴۰ در روستای شاه بهرام توقف ده دقیقه ای داشتیم و سپس به سمت باغ چشمه بلقیس حرکت کردیم.

ساعت ۱۳:۲۵ به باغ چشمه بلقیس رسیدیم، کنار باغ چشمه بلقیس مردم محلی برای فروش محصولات گیاهی و لبنی خود غرفه برپا کرده بودند، همچنین برای ورود به باغ مبلغی به عنوان ورودی در نظر گرفته شده بود که پس از معرفی گروه کوهنوردی ردپا، به صورت رایگان وارد باغ شدیم. مکانی زیبا و سرسبز که پذیرای خانواده های بسیاری است و در هوای گرم و آفتاب سوزان مسافران و گردشگران را زیر سایه درختان سربه فلک کشیده و خنکای آب و آبشار خود پذیراست. نهار را زیر سایه درختان و کنار آبشار زیبای آن خورده و به گردش در باغ پرداختیم و به تماشای زیبایی باغ و شور و نشاط کودکان مشغول شدیم که با خوشحالی زیر آبشار مصنوعی اما زیبا می چرخیدند یا درون حوض آب می پریدند و البته مادرانی که نگران سرماخوردگی کودکانشان بودند.

پس از آن ساعت ۱۵:۱۵ به سمت چرام حرکت کردیم، طبق هماهنگی هایی که قبل از سفر انجام شده بود قرار بود که اعضای گروه در خانه معلم شهرستان چرام مستقر شویم که نهایتاً ساعت ۱۶:۱۵ با راهنمایی مسئول خانه معلم وارد شدیم.

شب مانی در خانه معلم علاوه بر استفاده از امکانات رفاهی چند مزیت دیگر هم برای اعضای گروه داشت. یکی ترتیب دادن جشن کوچکی به مناسبت تولد، جشنی بسیار صمیمی که باعث شد کودک درون بعضی از دوستان فعال شود و تمام بادهادکها را بترکاند بجز یکی که روز بعد نصیب دخترک زیبای روستایی شد. مزیت دیگر لذت بردن از املت خوشمزه ای بود که خانم حق بین با کمک دونفر از دوستان تهیه کردند البته در خانه معلم هیچ ظرفی وجود نداشت به همین دلیل از یکی از همسایه ها درخواست ظرف کردند که ایشان هم با خوشرویی و مهربانی پذیرفت. در نهایت آخر شب به اتفاق تعدادی از دوستان برای قدم زدن در خنکای شب بیرون رفتیم که پس از خوردن یک شام خوشمزه و البته شیرینی خامه ای فراوان واقعا لازم و لذت بخش بود.

صبح روز آخر (جمعه مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۱۱) ساعت ۵:۳۰ بیدار شدیم و پس از جمع آوری وسایل و صرف صبحانه ساعت ۶:۱۵ به سمت روستای توریستی مارین حرکت کردیم. ساعت ۷:۲۰ وارد روستای مارین شدیم و تا ساعت ۹:۲۰ به گردش در روستا و باغهای اطراف آن پرداختیم و ریه ها را از هوای دلپذیر صبحگاهی انباشته کردیم و گوش به آوای دل انگیز جویبار سپردیم اما افسوس که نمیتوان چنین لذتهای نابی را ذخیره کرد، تنها میتوان دم را غنیمت شمرد و پس از آن به مرور خاطرات پرداخت.

در مسیر بازگشت برای خرید ماست محلی به خانه یکی از روستاییان رفتیم اما مرد دریا دل روستایی پس از دادن ماست حاضر به دریافت پول آن نمیشد و ماست را رایگان به ما بخشید و پس از اصرار فراوان مبلغی را در قبال ظرف از ما قبول کرد.

ساعت ۱۰:۲۰ از مارین به مقصد شیراز حرکت کردیم و در مسیر از سد کوثر، شاه بهرام، کوپن، دزک، نورآباد ممسنی، سراب بهرام و خومه زار گذشتیم و ساعت ۱۳:۵۰ جایی بین خومه زار و قائمیه مشغول صرف نهار که همان ماست خوشمزه محلی بود، شدیم البته تعدادی از دوستان از یک رستوران بیرون بر در خومه زار نهار گرم تهیه کرده بودند. پس از صرف نهار در ساعت ۱۴:۲۰ مجدداً حرکت کرده و پس از رسیدن به دشت ارژن خانم نعمتی دوستان را به صرف بستنی دعوت کردند که از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۶:۰۰ در بستنی محمدی مهمان همنورد گرامی خانم نعمتی بودیم و سپس به سمت شیراز حرکت کردیم و ساعت ۱۷:۰۵ به ابتدای مسیر حرکت خود یعنی میدان معلم شیراز رسیدیم.

